

منشور قرآنی عدالت و انصاف

علیرضا وکیلی/اسلامت یک جامعه بیش از آنکه به قوانین مکتوب وابسته باشد، به اخلاق حاکم بر روابط میان افراد آن، گره خورده است. در تلاطم های اجتماعی، آنچه عیار ایمان و بلوغ فکری ما را نشان می دهد، توانایی عبور از کینه ها و ترجیح دادن حق بر منافع شخصی یا گروهی است. نگاه الهی به ما می آموزد که عدالت، یک شعار سیاسی نیست، بلکه یک زیست مؤمنانه است که باید در جزئی ترین تعاملات ما با هم نوعان، حتی کسانی که با آن ها اختلاف نظر داریم، جریان یابد. جامعه ای که در آن «انصاف» قربانی دشمنی های شخصی شود، از آرامش و پایداری تهی خواهد شد.

قرآن کریم در سوره مبارک مانده، عالی ترین معیار اخلاق اجتماعی را چنین ترسیم می فرماید: «وَلَا يَجْرِمُكُمْ شَتَاءُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَنْتُمْ أَنْ تَتَّقُوا اللَّهَ» وَاَتَّقُوا اللَّهَ: دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت، نکشاند. عدالت کنید

که به پرهیزکاری، نزدیک تر است و از خدا بپرهیزید.»

این آیه، قاعده و قانون آزادی در قضاوت است. خداوند به مؤمنان هشدار می دهد که «شنان» یا همان بغض و کینه نسبت به یک گروه، نباید ترازوی قضاوت آن ها را از مسیر عدل خارج کند. درواقع، هنر دین داری نه در عادل بودن با دوستان، بلکه در رعایت انصاف نسبت به مخالفان است. عبارت «هو اقرب للفقوی» نشان می دهد که کوتاه ترین مسیر برای رسیدن به قله پرهیزکاری، از قلب عدالت می گذرد. انسانی که بتواند در اوج اختلاف، حق رقیب را ضایع نکند، به سطحی از تسلط بر نفس رسیده که تضمین کننده سلامت کل ساختار اجتماعی است.

نهاده سازی عدالت در جامعه، مستلزم آن است که ما ترازوی انصاف را در ذهن خود نصب کنیم. اگر در معاملات، قضاوت ها و حتی اظهارنظرهایمان در فضای مجازی، کینه های قدیمی راد خالت دهیم، درحقیقت به بنیان های اخلاقی جامعه، تیر زده ایم. عدالت قرآنی یعنی حتی اگر از کسی به شدت آزرده خاطریم، مجاز نیستیم فراتر از حق به او بتازیم یا صفت خوبی را در او نادیده بگیریم. این انضباط رفتاری، تنها راه عبور از گسست های اجتماعی و رسیدن به وحدتی پایدار است. حافظ بانگاه می ژف به لزوم مدارا و عدل می گوید:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

بیاییم با تمرین انصاف در روابط روزمره، بستر را برای رشد فضایل اخلاقی در جامعه، فراهم کنیم. عبور از کینه ها و بازشگشت به ترازوهای منصفانه، نشانه قدرت روحی ملتی است که می خواهد الگوی تمدن اسلامی باشد. تقوای الهی در گرو عدالتی است که هیچ گاه تحت تأثیر حب و بغض های گذرا قرار نمی گیرد.

مشاوره

صدق و امانت؛ محک ایمان

علیپورا سومین شاخصه دین داری راستین در کلام معصومان^(ع)، راستگویی و امانتداری است. در رهنمودهای اهل بیت^(ع) آمده است که به زیادی نماز و روزه افراد نگاه نکنید، بلکه مردم را در میدان صدق و امانت بیامیزید. این سخن بدان معناست که عیار دین داری را نه با ظواهر عبادی، بلکه با صفاتی چون راستی و درستکاری باید سنجید. امام علی^(ع) با قاطعیتی کم نظیر می فرمایند: «أَدِّ الْأَمَانَةَ إِذَا أُثْمِنْتَ.. فَإِنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ». اگر تو را امین شمرند، امانت را بازگردان و بدان هرکه امانت ندارد! امانتدار نیست! ایمان ندارد». این جمله، پیوندی ناگسستنی میان ایمان و امانتداری برقرار می کند و بی اعتنائی به امانت را بایی ایمانی برابر می شمارد. در جای دیگر، حضرت راستی و پرهیزکاری را آیین دین داری معرفی می کنند: «يُسْتَدَلُّ عَلَىٰ دِينِ الرَّجُلِ بِصِدْقِهِ وَوَزَعِهِ، صَدَقَ وَوَرَعَ هَرَفَرْد. گواه میزان دین داری اوست.» و در مقابل، از دروغ به عنوان پدیده ای که با ایمان ناسازگار است، یاد می کنند: «جَانِبَا الْكَذِبِ فَإِنَّهُ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ». از دروغ بپرهیزید که دروغ، از ایمان جداست. این شاخصه چنان در قاموس اولیای الهی مهم است که برای پایبندی به وعده، حاضر به تحمل سختی های طاقت فرسایی شدند. درباره حضرت اسماعیل^(ع) آمده است که با شخصی وعده دیدار گذاشت، اما آن فرد نیامد. پیامبر خدا ساعت ها در همان مکان ماند، چنان که غیبت طولانی اش، موجب نگرانی پیروانش شد. وقتی سرانجام آن مرد را آوردند او با شرمساری گفت که وعده را فراموش کرده است، حضرت فرمود: «اگر نمی آمدی، همچنان در اینجا می ماندم.» همین سیره در زندگی پیامبر اکرم^(ص) نیز دیده می شود. ایشان روزی کنار سنگی با شخصی وعده نهاد. آفتاب بالا آمد و هوا گرم شد، ولی آن مرد نیامد. یاران پیشنهاد کردند که به سایه بایبند، اما حضرت فرمودند: «من با او همین جا وعده دارم و تا نیاید، حرکت نخواهم کرد.» این دو روایت، تصویری عینی از جایگاه والای پایبندی به عهد و وعده در سیره انبیا به دست می دهد و نشان می دهد که راستی و امانت، تنها یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه سنگ محک ایمان است.

احکام

مرز میان خوش قولی اخلاقی و تکلیف شرعی

وکیلی! در مناسبات اجتماعی، «خوش قولی» ستون فقرات اعتماد متقابل است. جمله ساده «فردا می آیم» یا «تا عصر تحویل می دهم»، فراتر از یک عبارت خبری، تعهدی است که میان دو انسان شکل می گیرد. بسیاری از ما بدقولی را صرفاً یک صفت ضد اخلاقی یا نشانه ای از بی نظمی می دانیم، اما سؤال اینجاست که آیا این رفتار در ترازوی شرع نیز وزن گناه» دارد؟ آیا شکستن یک وعده عادی، می تواند برای انسان «حرمت شرعی» ایجاد کند؟ پاسخ به این پرسش، بیش از هر چیز به «نیت» قلبی ما در لحظه قول دادن و نوع تعهدی که ایجاد کرده ایم، بستگی دارد. امروز نظرات مردم عظام تقلید را درباره این چالش اخلاقی شرعی بررسی می کنیم.

نیت: خط کشی تشخیص گناه در کلام مراجع

آیا هر بدقولی، گناه محسوب می شود؟ مطابق نظر رهبر شهید انقلاب و آیت الله العظمی وحید خراسانی، پاسخ به این سؤال در گرو نیت شماست: **قصد فریب:** اگر در همان لحظه ای که قول می دهید، در دل می دانید که آن را انجام نخواهید داد، این اقدام در زمره «دروغ» قرار گرفته و حرام است. **تغییر شرایط:** اگر صادقانه قصد انجام کار را داشتید اما بعداً مانعی پیش آمد یا نظراتن عوض شد، عمل شما حرام نیست (اگرچه آیت الله وحید این کار را دارای کراهت شدید می داند).

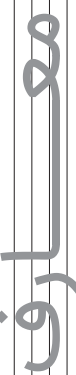
احتیاط در عهد: تکلیف مقلدان در نگاه برخی دیگر از فقها. دایره لزوم وفای به عهد، گسترده تر است:

آیت الله العظمی سیستانی: ایشان بنابر «احتیاط واجب»، وفای به عهد را لازم می داند و معتقد است که عمل کردن برخلاف وعده، جایز نیست. **آیت الله العظمی مکارم شیرازی:** از نظر ایشان، بدقولی اگرچه حرام نیست، یک رفتار ضد اخلاقی و مکروه تلقی می شود که شایسته فرد مؤمن نیست.

قول هایی که شوخی بردار نیستند!

باید توجه داشت که احکام فوق، مربوط به وعده های عادی و دوستانه است. در برخی مواقع، وفای به عهد، از جنبه های دیگری واجب شرعی دانسته می شود، **در معاملات:** وعده هایی که در ضمن قراردادها و معامله ها داده می شود، بار حقوقی و شرعی خاصی دارد.

در حق الناس: اگر بدقولی شما منجر به آسیب دیدن حقوق دیگران، بی احترامی یا اذیت و آزار شدید آن ها شود، به دلیل تداخل با عناوین «اذیت مؤمن» یا «حق الناس»، پیگرد شرعی خواهد داشت.



دانستنی هایی درباره انس و الفت با ثامن الائمه^(ع) به مناسبت ۲۳ ذی القعدة روز زیارتی مخصوص آن حضرت

عالم را صحن و سرای امام رضا^(ع) کنیم

آمنه مستقیمی! در کنار همه فرصت هایی که دل و جان ما از دور و نزدیک و با شوق، زائر مشهدالرضا^(ع) می شود، هستند روز هایی که سکه آن ها از اساس به نام حضرت شمس الشمسوس^(ع) ضرب شده است؛ مثل ۲۳ ذی القعدة که در تقویم شیعی به روز زیارت مخصوص حضرت ثامن الحجج^(ع) شهرت دارد و از فرصت هایی است که بیش از پیش، می توانیم با امام مهربانی هائیس و ارتباط بگیریم. به مناسبت فرارسیدن این روز با حجت الاسلام والمسلمین مجتبی عرفانیان، استاد حوزه و دانشگاه و از سخنرانان آستان قدس رضوی، گفت وگو کرده ایم.



در علم و حلم، شبیه امام رضا^(ع) شویم

در میان همه اوصاف و فضایی که حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) را به آن ها می شناسیم، آنچه بیش از همه برای امروز ما ضروری تر، کارآمد تر و برای الگوگیری مهم تر است، وصف «عالم آل محمد^(ص)» است؛ اینکه حضرت اهل گفت وگو و مدارا بودند و در مناظرات با مخالفان و پیروان ادیان و مکاتب اعم از یهودی، مسیحی، ستاره پرست و... با کمال احترام و سعه صدر برخورد می کردند. بهترین الگوی رفتاری ما در مواجهه با تفاوت هاست.

منطق رضوی را به تجمعات شبانه ببریم

در دنیای کنونی که پر خاشگری و بی صبری کلامی به شدت در میان مردم رایج شده است، ما بیش از هر زمان، نیازمند بازخوانی منطق رضوی در گفت وگوهای خانوادگی، اجتماعی و سیاسی هستیم. باید قدرت تحمل و شنیدن حرف مخالف و پاسخگویی با متانت و برهان را داشته باشیم؛ به ویژه اکنون که در تجمعات شبانه، وحدت اجتماعی تبلور یافته است، باید به دور از اختلاف نظر ها و طرز فکرهای مختلف سیاسی، منطق تعامل و گفت وگویی رضوی را در خود ایجاد و تقویت و از آن برای انسجام و وحدت، استفاده کنیم.

خادمی امام، محدود به حرم نیست

خادمی امام رضا^(ع) آرزو و میل قلبی اغلب ماست، ما خدمت به امام^(ع) را خدمت به عیال و بندگان خدا در مسیر رضای امام می دانیم؛ فرهنگ خادمی امام رضا^(ع)، یعنی هر کسی در هر جایی، کار را به نیت رضای امام به نحو احسن انجام دهد؛ مثلاً یک پزشک می تواند یک روز (چهارشنبه های امام رضایی) را به نیت ثامن الائمه^(ع)، به ویزیت و درمان رایگان بیماران اختصاص دهد یا یک فروشنده با مشتری ها بیشتر راه بیاید و یک معلم با عشق بیشتری در کلاس حاضر شود، یک محاسب به عشق امام^(ع) گریه از همسایه خود باز کند و... این چنین، فرهنگ خادمیاری امام مهربانی بر کل کل ایران و چه بسا کل جهان، سایه می اندازد و کل ایران و آخرت، معامله نمی کند. چنین انسانی، علی بن موسی الرضا^(ع) می شود و انسان هر جا خدمت کند، خادمیار حضرت است.



حجت الاسلام والمسلمین عرفانیان:

در تجمعات شبانه، وحدت اجتماعی تبلور یافته است. باید به دور از اختلاف نظر ها و طرز فکرهای مختلف سیاسی، منطق تعامل و گفت وگویی رضوی را در خود ایجاد و تقویت و از آن برای انسجام و وحدت، استفاده کنیم

داروی شفابخش درد های اجتماعی

صفت رئوف که امام رضا^(ع) به آن شهرت دارند، از نظر مفهومی، مرتبه ای بالاتر از رحیم بودن است؛ یعنی مهربانی پیش دستانه، مهربانی امام رضا^(ع) همیشه بدون چشمداشت و پیش دستانه است و حتی قبل از سؤال و درخواست، مهربانی می کنند. در این شرایط و با وجود مشکلات اقتصادی اجتماعی، قانون و مقررات به تنهایی گره گشا نیست، ما به یک مواسات و مهربانی الهام گرفته از امام رضا^(ع) نیاز داریم. نگاه انسانی و همراه با رأفت رضوی، داروی شفابخش شکاف های طبقاتی و فشار های اجتماعی است. اگر مسئولان با مردم، صاحبخانه ها با مستأجران و... این نگاه و رأفت رضوی را داشته باشند، خیلی از مشکلات ما حل می شود.

بُعد منزل نبُود در سفر روحانی

اگر چه بسیاری از دل ها مشتاق حضور در حرم و زیارت از نزدیک امام رضا^(ع) است، اما آن ها شرایط این حضور را ندارند. با این حال نباید خود را از زیارت محروم بدانند، چون ما زیارت را ارتباط قلبی با امام معصوم^(ع) می دانیم. واژه زیارت از ریشه زور یعنی انصراف از دیگران و میل به شخص خاصی است که می خواهیم به دیدارش برویم.

وقتی زیارت، ارتباط قلبی است

بنابر روایات، اگر امکان زیارت از نزدیک فراهم نبود، می توان از دور هم با توجه و معرفت، سلام کرد و ارتباط گرفت و زائر امام رضا^(ع) شد. اگر در رفتاری های کاری، شرایط بحرانی و جنگ و مشکلات اقتصادی امکان حضور در حرم مهیا نبود، از دور می توان زائر شد؛ چون در خانه ائمه^(ع) به روی هیچ کس روی این کره خاکی بسته نیست و دوری مسافت، بین ما و آن حضرات، فاصله نمی اندازد.

حجت الاسلام والمسلمین عرفانیان:

در تجمعات شبانه، وحدت اجتماعی تبلور یافته است. باید به دور از اختلاف نظر ها و طرز فکرهای مختلف سیاسی، منطق تعامل و گفت وگویی رضوی را در خود ایجاد و تقویت و از آن برای انسجام و وحدت، استفاده کنیم

۳ ضلع نیاز مندی های یک مؤمن مطلوب

جنس تردید در حکمت الهی بود. اینجاست که دومین ضلع ظهور می کند؛ بی تردیدی، تردید، موربانه ای است که در تاریخ خانه دل رخنه می کند و ستون های محکم ترین باورها را از درون می پوساند. تاریخ، گواهان بسیاری به خود دیده است؛ کسانی که ابتدا در خیل مؤمنان بودند، اما آن گاه که پای سود مادی، مقام یا جان به میان آمد، در دلشان زلزله ای از شک افتاد. حکایت عبرت آموز عمر سعد، نمونه ای کلاسیک از این فروپاشی است؛ مردی که دین داری را می شناخت، اما تردیدی که از طمع ملک ری در قلبش جوانه زد، او را تا ورطه به نیزه کشیدن قرآن ناطق پیش برد. مؤمن مطلوب، قلبی آرام و بی طوفان دارد، طوفان هایی که با هر موج منفعت شخصی، جهت ایمان را تغییر نمی دهد.

میوه باور عاری از تردید، در میدان عمل به بار می نشیند

مجاهدت، عیار واقعی ایمان است. اینجاد یگر کارزار باورها، فراتر از ذهن و قلب، به صحنه زندگی کشیده می شود. چه بسایرانده کسانی که با تحریک عواطف و شور مقطعی، قدم در راه های دشوار می گذارند، اما در نیمه راه، آن گاه که خطر جان و مال را جدی می بینند

شیعه بودن، انسان را به آن قله رفیع مؤمن ممتاز نمی رساند. این مقامی نیست که با میراث خواهی به دست آید، بلکه فتح آن، نیازمند جهادی اکبر در میدان نفس است.

باور، عدم تردید و مجاهدت عملی

قرآن کریم، این منشور هدایت، تصویری شفاف از مؤمن مطلوب ترسیم می کند که می توان آن را در ۳ ضلع یک مثلث متوازن خلاصه کرد: باور بی چون و چرا، نبود تردید و مجاهدت عملی. این سه عنصر، زنجیروار به هم متصل اند و فقدان هر یک، ساختار ایمان را فرو می ریزد. اولین و بنیادی ترین گام، «باور» است؛ باوری که صرفاً یک تصدیق ذهنی نباشد، بلکه به مثابه نوری درونی، مسیر زندگی را روشن کند. هنگامی که انسان به حلال و حرام الهی باور داشته باشد، این باور خود به خود به یک دژ مستحکم در برابر گناه تبدیل می شود. چنین کسی حتی اگر تمام جهان برای توجیه یک عمل حرام صف آرایی کنند، گوش جان به فرمان خدا می سپارد و قدم در مسیر نافرمانی نمی گذارد. باور راستین، چراغی نیست که با وزیدن باد مخالفت، خاموش شود. اما باور به تنهایی کافی نیست؛ زیرا شیطان نیز به خدا باور داشت، اما نافرمانی اش از

در میان هیاهوی زندگی روزمره، جایی که ایمان گاه به عاداتی موروثی و شنه سانه ای تقلیل می یابد، بازخوانی معیارهای یک باور اصیل، شوکی ضروری برای بیداری وجدان های خفته است. تصور رایج بر این است که تولد در خانواده ای متدین یا التزام به شعار ظاهر، برای قرار گرفتن در زمره مؤمنان واقعی کفایت می کند اما حقیقت آن است که ایمان، نه یک برچسب اجتماعی، که انقلابی درونی و مستمر است. ایمان حقیقی بر شانه های باوری چنان استوار بنا می شود که امواج سهمگین تردید و نسیم فریبنده منفعت، یارای تکان دادنش را ندارند. وقتی از مؤمن مطلوب سخن می گوئیم، از انسانی حرف می زیم که از دایره تنگ ادعافراتر رفته است. تمثیل زیبایی در اینجا راه گشاست؛ چنان که یک گل می تواند صرفاً زیبا باشد و لذتی گذرا بیافریند و گل دیگر، می تواند یگانه و ممتاز باشد و در خاطر تاریخ ماندگار شود؛ ایمان نیز چنین است. اکثر مرامر زمره مؤمنان عادی قرار داریم؛ کسانی که به خدا، پیاپیمر و امامت باور داریم، اما این باور شاید هنوز در عمق جانمان ریشه ندوانده باشد. صرف



در سپهر

پرهیزکاری

برگرفته از خطبه های نماز جمعه مشهد تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی